

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

طرح همزمان دستورکارهای تاکتیکی بمنظور پیگیری اهداف ستراتیژیک آیا قوت‌های نظامی خارجی مایل به ترک کشور ما می‌باشند؟ بربنیاد چه دلایلی ناتوبه تقویت مواضعش می‌پردازد؟

موجودیت پایگاه‌های ناتو، گواه حضور گسترده نظامی
تحت مراقبت قراردادان مناطق مورد نظر
هزینه‌های گزاف موجودیت قوت‌ها
بررسی موضعگیری ترامپ در مورد

قبل از طرح و بررسی جزئیات مسأله مورد بحث، ناگزیر به کلیات مسأله پرداخته و چنین یادآور باید شد که اصل تجاوز به کشور مستقل و آزاد در منشور سازمان ملل جرم پنداشته شده که در نوع خود، اصول حقوق بین‌الدول را زیر پا نموده و بر اصل روابط بین‌المللی نیز خدشه وارد می‌نماید. اما این واقعیت را نباید از نظر دور داشت که هدف جنگ‌های مالی، درست مانند جنگ‌های متعارف، عبارت از اعمال سلطه بر تمام یک کشور یا بر بخش‌هایی از آن می‌باشد. فقط تفاوت در این است که جنگ‌های مالی چندان کوتاه‌تر از تاریخ جنگ‌های معمولی نیست. تضعیف توان اقتصادی دشمن، یکی از راه‌های مبارزه حتماً در جهان باستان بود. این امر، به گونه معمول با ضرب سکه‌های تقلبی تجلی یافت که خود آن موجب کاهش ارزش پول و اعتماد به دولت می‌باشد. اما پس از کشف پول کاغذی و توسعه صنعت چاپ، امکانات چنین مبارزات چند برابر افزایش حاصل نمود.

با توجه به اینکه خیلی‌ها بقدرت پول برای به انقیاد کشاندن ملت‌ها از مدت‌ها پیش پی بردند، استفاده از آن را بمتابه جایگزین تمام عیار کاربرد سلاح‌های متعارف از صدها سال قبل آموختند.

بحران‌ها، مانند نبرد نهایی در جنگ‌های متعارف، مشهودترین و قطعی‌ترین پیامدهای جنگ‌های مالی بشمار می‌آیند. بقیه گام‌های طرفین، هم تا آغاز بحران‌ها و هم پس از آنها، تصورات جمعیت را کمتر تحت تأثیر قرار می‌دهند. بهر حال، خود این جنگ‌ها هم اغلب نه تنها بمتابه یک گام بدقت برنامه‌ریزی شده بمنظور برقراری نظارت بر اقتصاد معطوف به تأمین منافع سازماندهندگان بحران، بلکه بمتابه یک نوع بلایای طبیعی در نظر گرفته می‌شوند.

با در نظر داشت کلیات ذکر شده در فوق، یادآوری این مسأله لازمی بنظر می‌رسد که کنون زمزمه‌هایی از جانب دست‌اندرکاران و گردانندگان خارجی جنگ در اراضی کشور محبوب ما بگونه واضح در زمینه بگوش رسیده و ادعای می‌نمایند که: "ما بخود اجازه نمی‌دهیم تا افغانستان را ترک نماییم". در این ارتباط، چندی قبل دونالد ترامپ به ادا رات و بخش‌های مربوط به قوت‌های مسلح آن کشورش اختیار و صلاحیت افزایش مشروط نظامیان آن کشور در افغانستان را تفویض نمود. در گام نخست، مسأله، شامل بخش‌های مربوط به قوت‌های هوایی و توپچی می‌گردید. اما پنتاگون در صدد اعزام قوای پیاده نظام به کشور ما نیز می‌باشد. نباید فراموش نمود که در شرایط کنونی، وضعیت جنگی در کشور از نظارت و کنترل خارج گردیده است. انجام اقدامات تروریستی "دولت اسلامی" و "طالبان"ها، صدها

تن را بخاک و خون کشاند. قابل یاددهانی پنداشته می شود که توانایی های قوای مسلح کشور بمنظور شکست و بزانو درآوردن نیروهای رادیکال و بنیادگرا، در نوع خود وسیع و گسترده می باشد، اما دست اندرکاران امور مربوط چنین می پندارند که ضربات متفرقه تنها برخی از تروریست ها را در کشور همجوار افغانستان مورد هدف قرار می دهند. این واقعیت را باید متذکر گردید، از آنجاییکه واشنگتن در صدد جستجوی حل و فصل قضایای کشور ما می باشد، اعزام و فرستادن نظامیان بیشتر به کشور ما برای پنتاگون امر ساده و بسیطی محسوب نمی گردد.

مطابق صلاحیت های رئیس جمهوری ایالات متحده، دونالد ترامپ به وزیر دفاع آن کشور اختیارات افزایش و کاهش در تعداد و کمیت نظامیان ایالات متحده در افغانستان را بوی نیز تفویض نمود. مسأله فوق توسط رویترز به نقل از منابع کاخ سپید ابراز گردید.

وزیر دفاع ایالات متحده در زمینه اظهار داشته افزود که پنتاگون در صدد تنظیم نمودن تاکتیک هایش در افغانستان می باشد. بنابراین، ارتباط موضوع متذکره، ادارات نظامی ایالات متحده در آینده های نه چندان دور به تنظیم پلان های شان در عرصه یادشده مبادرت خواهند ورزید. نامبرده همچنان علاوه نمود که رهبری واشنگتن، نحوه عملکردش را در قبال قضایای یادشده مشخص و تصمیم نهایی خویش را در مورد اتخاذ خواهد نمود.

همچنین، چنین ادعا گردید که ایالات متحده و ناتو مانند همیشه به تعیین ستراتیژی ها در مورد بسیاری از مسایل مورد بحث مبادرت خواهد ورزید.

دونالد ترامپ در جریان مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری ایالات متحده، اظهار داشت که در صورت پیروزی در انتخابات موجود، نظامیان کشورش را از افغانستان فرا خواهد خواند. بدین ترتیب، لفاظی های نامبرده، عملن وعده های انتخاباتی بارک اوباما را در اذهان عامه تداعی می نماید که در نوع خود، شاهد آغاز گرم شدن و وسعت دامنه عملکردهای جنگی و نظامی ایالات متحده در شرق میانه و آسیای مرکزی بودیم. اما انکشاف اوضاع در اراضی کشور ما بنحوی شکل گرفت که کاخ سپید ناگزیر به توقف فراخوانی نظامیان از افغانستان گردید.

در اوضاع و شرایط کنونی، پنتاگون در صدد وسعت بخشیدن به حمایت های هوایی و توپچی در کشور مابوده و در کنار آن، فرستادن قوت های پیاده نیز در دستور کار آنها قرار دارد.

اما نباید فراموش نمود که تردید های فراوانی دال بر انجام فعالیت های عملیاتی ناتو در قالب برنامه "حمایت قاطع" عملن موجود می باشد. در رابطه با مسأله فوق، تنها آن بخشی از قوت های نظامی امریکایی در عملیات متذکره نقش و سهمی ایفا می نمایند که در امر تعلیم و تربیه و آموزش قوت های امنیتی محلی مصروف و مشغول می باشند. در کنار آن، نیروها و بخش های ضد تروریستی قوای نظامی ایالات متحده نیز در کشور ما وجود دارند که وظایف نهایت مهم را بر عهده داشته و موظف به اجرا و تطبیق عملیات های مهم و عمده ای می باشند. در مورد وسعت ساحه عملکرد و افزایش قوت های نظامی، بگمان اغلب که تصامیمی در پنتاگون اتخاذ گردیده است، چنین تصور می گردد که عده بیشتری از نظامیان ایالات متحده به کشور ما اعزام گردند.

اوضاع در مجموعه کشور عزیز ما افغانستان، بویژه طی دهه اخیر به تشنج گراییده و با وجود تلاش های پیهم پنتاگون و کوشش های قدرت های دولتی در محلات، مخالفان مسلح به تداوم حملات شان مبادرت ورزیده و بخش هایی از اراضی کشور را تحت اداره و تسلط شان قرار دادند.

با ذایش و پیدایش "دولت اسلامی"، وضعیت در کشور ما و در منطقه با سناریوی غیر قابل کنترولی مواجه گردید. در انجام و بسر رسانیدن عملیات تروریستی بگونه بی سابقه ای از دیاد قابل توجهی بعمل آمد. در نتیجه عملیات انتہاری و فعالیت های نظامی، بویژه در محلات و اماکن ملکی کشور، طی نخستین ماه های سال متذکره، بتعداد ۸۰ نفر کشته و ۳۵ تن هم زخم برداشتند که مسؤلیت آنها را بگونه ای "دولت اسلامی" بر عهده گرفت. طی همین سال، عده ای از تروریست ها در حالیکه به یونیفورم نظامیان کشور ملبس بودند، در بخشی از مراکز مربوط به قوای مسلح در شمال کشور ما حملاتی را سازماندهی و اجرا نمودند که در نتیجه بتعداد ۱۷۰ نفر از منسوبان قوای مسلح کشور شهید گردیده

ودها تن دیگر هم زخم برداشتند.

پس از این حادثه غم انگیز و تراژیک، عده ای از افراد رهبری وزارت های امنیتی کشور از وظایف شان سبکدوش گردیدند.

دست اندرکاران امور مربوط در مورد، چنین ابراز نظر نموده و قبل از همه به این فاکت اهمیت قابل توجهی قایل گردیدند که متأسفانه، انجام و بسر رسانیدن چنین اعمال تروریستی، نتیجه دستیابی تروریست ها به سلاح و مهمات موجود در قطعات نظامی در مرکز ولایت بلخ بشمار آمد. در واقع، این امر به اثبات نرسیده و واضح نگردید که در انجام عملیات متذکره، "طالب" ها شرکت ورزیدند یا "داعش"، اما پس از آن نیروهای مسلح مخالف کشور، بویژه "طالب" ها اعلام داشتند که بکمک و رهنمایی افراد و اشخاص مسؤول در قرارگاه نظامی یادشده، موفق به انجام چنین اقدامات رهنانه گردیدند.

رنخه نمودن و جابجایی افراد و اشخاص نفوذی مخالفان مسلح در صفوف اردوی کشور، سبب ساز بخاک و خون کشانیدن عده بیشماری از نظامیان، بویژه سبب کشتار بیرحمانه عده بیشماری از نیروهای پولیس کشور گردید.

در چنین وضعیتی، در واقعیت امر، تفاوت در موضعگیری "طالب" ها از جنگجویان "دولت اسلامی"، کاملن واضح می گردد. گروه اولی، مطابق گزارش های منتشرشده، آمادگی شان را در امر تداوم مذاکرات با دولت افغانستان در قطر ابراز داشتند. مطابق گزارش های منابع خبررسانی، این مذاکرات میان نمایندگان دولت افغانستان و "طالب" ها هم اکنون جریان دارد.

نباید فراموش نمود که "طالب" ها بمنظور ایجاد و برپایی دولت منحصر بفرد خودشان در محدوده اراضی کشور اکتفا می ورزند، اما "دولت اسلامی" بمنظور ایجاد و پایه گیری "خلافت" آنها شامل خارج از محدوده کشور، داد سخن می رانند.

رهبری دولت در کشور ما ابلاغ نمود که نیروهای مسلح مخالف کشور باید از آخرین امکانات موجود سود برده و بنفع صلح و سلم در کشور به میز مذاکره حاضر گردیده و طرح ها و خواست های شان را با شرکت کنندگان مذاکرات بدور یک میز و در فضای صلح آمیز مطرح بحث قرار دهند.

بسیاری ها به این موضوع تأکید می ورزند که بدون مذاکره و گفتگو، راه حل و الترناتیف دیگری بمنظور حل و فصل صلح آمیز قضایای کشور، اصلن سراغ نمی گردد. با طرح پیشنهاد ها و در میان گذاشتن برنامه ها می توان به نتیجه دلخواه و مطلوبی که بنفع همه طرف های درگیر در قضایای کشور عزیز ما باشد، نایل گردید.

نباید فراموش خاطر ما گردد در نتیجه عملیات های هوایی که به غیرنظامی های محلات، آسیب ها و قربانی های فراوانی تحمیل گردیده که در نتیجه، موجی از اعتراضات و ناراضیاتی های اهالی ملکی کشور را نیز برانگیخت.

در اینجا بوضاحت رویارویی نظامیان ناتو با افراد ملکی بیدفاع کشور بملاحظه می رسد که نمونه های آن را در ولایت ها و سایر شهرها و دهات کشور می توان مشاهده نمود. حوادثی از این قبیل، متأسفانه بگونه تکراری در نقاط مختلف کشور اجراً و عملی می گردد. آیا انجام عملیات های گسترده این قبیلی به پنتاگون این موقع را مساعد خواهد نمود تا بدون مانعی به اهداف تعیین شده اش دسترسی حاصل نماید؟

قابل یاددهانی پنداشته می شود که بمنظور انجام عملیات های نظامی ایالات متحده در اراضی کشور عزیز ما، از میدان هوایی "مناس" استفاده اعظمی بعمل آمده و در زمینه کاربرد وسیعی داشته و نقل و انتقالات بمفهوم وسیع آن نیز از همین طریق صورت می گرفت. پایگاه نظامی ایالات متحده طی سال ۲۰۰۱ در میدان هوایی بیشکیک بگونه ویژه ای بمنظور انجام عملیات "آزادی پایدار"، ایجاد گردید.

در مرکز انتقال مواد مورد نیاز در "مناس"، قوت های هوایی و هواپیماهای نظامی ایالات متحده اجازه پرواز در فضای مربوط به کشور قرغیزستان را نیز بدست آوردند. اما طی سال ۲۰۱۴، امریکایی ها "مناس" را ترک نمودند. با وجود آنکه در همان سال فیصله بعمل آمد تا از میدان هوایی بین المللی واقع در الیانوفسک روسیه بمنظور انتقال

مواد مورد ضرورت قوت های نظامی ایالات متحده و ناتوبه کشور ما استفاده بعمل آید، اما طی سال ۲۰۱۵، فدرا تیف روسیه به امر تفاهم در مورد انتقال مواد مورد ضرورت و سلاح و مهمات از طریق اراضی آن کشور به افغانستان، نقطه پایان گذاشت.

پنتاگون به این امید بود تا از طریق اراضی پاکستان به نقل و انتقال مواد مورد نیاز نظامیان آن کشور به افغانستان، مبادرت ورزد. اما با موجودیت و پیدایش ضد و نقیض هایی میان واشنگتن و اسلام آباد، چنین امری، صورت عملی بخود نگرفت، چه ایالات متحده بگونه پیهم به زمامداران پاکستانی در مورد همکاری و حمایت از "طالب" ها هشدار می داد.

بگمان اغلب دونالد ترامپ رئیس جمهوری ایالات متحده در صدد بهتر شدن مناسبات کشورش با پاکستان تلاش ورزید، اما با وجود تماس های مستقیم و غیر مستقیم در زمینه، موفق به این کار نگردید. یادآوری این مسأله لازمی بنظر می رسد که چه اصطکاکی میان واشنگتن و اسلام آباد در زمینه انتقال مواد متذکره از اراضی پاکستان به افغانستان وجود دارد؟

پاکستان به همکاری یادشده علاقمند بود، چه، منافع اقتصادی و مالی نسبتن هنگفت و قابل توجهی شامل حال آن کشور می گردید.

بسیاری از دست اندرکاران امور دفاعی و نظامی به این عقیده می باشند که بصورت مجموعی، حصول پیروزی و موفقیت کامل امریکایی ها در افغانستان، امریست محال.

به نظر کارشناسان نظامی، بمنظور تحت حاکمیت و تحت نظارت قرار دادن اراضی افغانستان، انجام عملیات های نسبتن بزرگ و عظیم نظامی و حربی با شرکت هزاران هزار از نظامیان تفنگ بدست، باید در دستور کار قرار داده شود.

اما در نتیجه کارها، اکنون ایالات متحده از این کار سرباز خواهد زد، چه افزایش روز افزون کشته ها و زخمی های آن کشور در اراضی کشور ما، رهبری واشنگتن را از این کار باز می دارد و به یقین که گردانندگان پنتاگون نیز از انجام چنین امری ابا خواهند ورزید.

یادآور باید شد که در واشنگتن به واقعیت یادشده معترف می باشند، اما با تشدید عملیات فوق، انتظار دارند تا زمینه فعالیت و عملکردهای "دولت اسلامی" در اراضی کشور ما وسعت و گسترش حاصل نموده تا بمثابه سندی بمنظور ضرورت حضور و موجودیت دراز مدت نظامیان امریکایی و قوت های ناتو در کشور عزیز ما افغانستان مبدل و همچنان وسیله ای گردد تا بنیادگرایی اسلامی به آسیای میانه انتقال داده شده و مناسبات آنها با تشدد طلب های افغان بیش از پیش تحکیم گردد.

سناریوهای متنوع و رنگارنگی بمنظور دستیابی به اهداف و نتایج دلخواه بسیاری از قوت های منطقوی و بین المللی در مورد اوضاع کشور عزیز ما در دستور کار آنها قرار دارد. دیده شود، سیر حوادث و اتفاقاتی که در منطقه ما در شرف تکوین می باشد، ما را همراه با باشندگان میهن عزیز ما به کجاها خواهد کشاند.

پنجم ماه اگست سال ۲۰۱۸